

دکتر آرش نصر اصفهانی، مدیر کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران در گفت و گو با «ایران» مطرح کرد

# کودکان زباله گرد، معلق میان قانون و پول!



عکس: سجاد صفوری/ ایران

حمیده امینی فرد خبرنگار

وضعیت زباله گرد‌ها را در تهران چگونه می بینید؟ آیا همه آنچه می‌دانید تصویر زباله گرد‌هایی است که تا کمر در مخازن زباله خم شده‌اند؟ فکر می‌کنید مافیای شبکه‌ای پشت کار بر زحمت و آلوده آنهاست؟ یا شاید هم برخی‌ها از سر تقفن و درآمزیابی، این شغل را انتخاب کرده‌اند؟ اصلاً می‌توان به زباله گرد‌ها عنوان «شاغل» داد؟ «ایران» در گفت‌وگو با دکتر آرش نصر اصفهانی، مدیر کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران این سؤالات و ابهامات را بررسی می‌کند.

■ الگوی جمع‌آوری پسماند خشک در تهران چگونه است؟

قانون می‌گوید که پسماند خشک باید در مبدأ یعنی از در منازل به‌صورت تفکیک شده تحویل گرفته شود. پیمانکاران شهرداری موظف‌اند با آموزش نیروهای خود و مراجعه به منازل شهروندان زباله‌های خشک را دریافت کرده و به مراکز بازیافت منتقل کنند. از طرفی برای جمع‌آوری زباله‌های تر هم از حدودا دودِه قبل، مخازن ویژه در سطح شهر نصب شد تا زباله‌ها به‌صورت منظم جمع‌آوری شده و شهر چهره تمیزتری پیدا کند. پیامد ناخواسته این شیوه جمع‌آوری پسماند تر این بود که زباله‌های تر و خشک باهم داخل مخازن ریخته شد. در نتیجه سادترین راه برای پیمانکاران این شد که به جای مراجعه به منازل، پسماند خشک را از مخازن سطح شهر جمع‌آوری کنند.

■ یکی از شائبه‌ها درباره پیمانکاران این است که همیشه کار را کسائی می‌گیرند که با شهرداری دادوستدهای ویژه دارند و از این نظر مختارند که هر طور می‌خواهند بازیالنه گرد‌ها بر خورند؟

برای انتخاب پیمانکاران، طبق روال تشریفات قانونی برگزار می‌شود و پیمانکارانی که تأیید صلاحیت شدند باید در مزایده شرکت کنند. برنده‌های مزایده در هر منطقه، می‌توانند جمع‌آوری پسماند‌های خشک را برعهده بگیرند. هر منطقه بسته به وسعت و جمعیت ممکن است یک تا دو پیمانکار داشته باشد. ولی به‌رحال پیمانکاران در این بخش محدودند و اغلب کسائی هستند که از سال‌ها قبل در همین حوزه فعال بوده‌اند. همین باعث می‌شود شائبه‌هایی در مورد انحصار در این بخش و البته فساد سازمانی وجود داشته باشد. شفاف شدن فرآیند انتخاب پیمانکاران می‌تواند بخشی از مسأله را حل کند.

■ گردش مالی زباله‌گردی در تهران چقدر است؟

پیمانکار براساس قراردادی که با شهرداری می‌بندد، باید سالانه مبلغی را به شهرداری‌های مناطق بپردازد، البته هر سال بر مبنای برآوردهایی که انجام می‌شود، ارزش پسماند خشک مناطق تعیین می‌شود و انتظار این است که شهرداری درآمدی متناسب با این برآورد داشته باشد.

■ یعنی هیچ برآوردی نمی‌شود؟ مگر این اعداد و ارقام در یوه چنه‌می‌آید؟

رقمی که ابتدای امسال اعلام شد، حدوداً ۴۰۰ میلیارد تومان بود؛ یعنی مجموع درآمد یک سال شهرداری از پسماند خشک این رقم هدف‌گذاری

شده بود. البته ظاهراً چون امکان تحقق نداشت از این عدد نیز تا حدودی کاسته شده که رقم دقیق آن را باید از سازمان پسماند شهرداری سؤال کرد.

■ با وجود مشکل تأمین منابع مالی در شهرداری تهران، عجیب نیست که در این حوزه کم‌کار هستید؟ اینکه درآمد شهرداری از پسماند خشک چقدر باید باشد یک بحث تخصصی است که من صلاحیت آن را ندارم. برخی معتقدند شهرداری می‌تواند درآمد بسیار بالاتری داشته باشد و برخی هم می‌گویند اگر برای درآمد بیشتر فشار بیاوریم نتیجه آن افزایش زباله گردی و استخدام کودکان برای جمع‌آوری پسماند خشک است.

■ پیمانکار در چه یک چقدر درآمد دارد؟

چون درآمد‌ها شفاف نیست، نمی‌توان گفت درآمد شهرداری با پیمانکار چقدر فاصله دارد. همان‌طور که گفت‌م در این زمینه اختلاف‌نظر وجود دارد، برخی معتقدند تفاوت زیادی نیست، اما برخی دیگر می‌گویند که درآمد پیمانکاران به نحو غیرمتعارفی بالاست؛ ولی چون سازوکار روشن شناسایی منابع درآمدی افراد در کشور وجود ندارد یا اجرا نمی‌شود، نمی‌توان متوجه شد یک پیمانکار از این‌منبع چقدر کسب درآمد می‌کند. خود زباله‌گرد‌ها هم براساس میزان زباله‌ای که جمع می‌کنند، درآمد دارند. معمولاً هر زباله گرد ماهانه مبلغ ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان به پیمانکار دسته‌اول بابت اجاره می‌پردازد و حدوداً ۱۰۰ تا ۱۵۰ کیلو ضایعات در روز جمع‌آوری می‌کند.

■ یعنی گردش مالی پسماند خشک در تهران عدد بزرگی نیست؟

اگر در مقیاس اداره تهران و در مقایسه با گردش مالی شرکت‌های بزرگ و بنگاه‌های اقتصادی در نظر بگیریم عدد بزرگی نیست؛ یعنی آنقدر که درباره گردش مالی پسماند خشک و شبکه‌های مخوف آن حرف زده می‌شود، البته منظور من نیست که نباید به احتمال سوءاستفاده در بخش پسماند بی‌توجه بود.

■ پس منکر وجود مافیای زباله و شبکه بزرگ زباله گرد‌هایی هستید؟

قطعاً یک شبکه منافع قدرتمند وجود دارد که تلاش می‌کند منافع و سود خود را به حداکثر برساند، ممکن است فساد سازمانی هم به آن پیوند بخورد، اما نمی‌توان گفت بخش پسماند، تفاوت زیادی با سایر بخش‌های اقتصاد از جهت فساد و تخلف و عدم شفافیت دارد. من فکر می‌کنم در این حوزه کمی اغراق شده است، مثل اتفاقی که درباره نکدی گری و دستفروشی افتاده و آنجا هم مدام از مافیاسخن گفته می‌شود.

■ اما من حرف شما را قبول ندارم، چرا که همین الان در تهران شبکه دستفروشی وجود دارد و نقاط پر تردد و به اصطلاح پاخور اقطاعه‌بندی کرده‌ا‌جا ره می‌دهند. بخشی از مردم این شهر از راه دستفروشی تأمین معاش می‌کنند و ممکن است گروه‌هایی هم باشند که به نفع خود سوءاستفاده کنند اما این به معنای مافیانیست. بخش زیادی از این تصویرسازی منفی از فرودستان مثل همین زباله‌گرد‌ها، غیرواقعی است و می‌شود اسم آن را شرانگاری فقر گذاشت. ما تصویر اهریمنی از فرودستان می‌سازیم و طبعاً پاک کردن فرزندش را بیاورد که دوتفر از آنها کودک باشند. آنها

اغلب تعدادی از مخازن را از پیمانکار اجاره می‌کنند و در عصر‌ها و شب‌ها برای جمع‌آوری زباله به محدوده اجاره‌شده می‌آیند. درواقع این پیمانکاران دست‌دوو سه هستند که بیشتر از کودکان استفاده می‌کنند گرچه مواردی هم هست که پیمانکار دست‌اول هم کودکان را به‌کار می‌گیرد.

■ صبح‌ها چطور؟

اغلب پیمانکار اصلی از طریق خودروهای ویژه، پسماند خشک را از مخازن جمع‌آوری می‌کند. این خودروها که در سطح شهر می‌بینید، معمولاً با وضعیت بهداشتی این گاراژ‌ها و کود‌ها بسیار بد و بشدت آلوده است. بسیاری از این کود‌ها، سرویس بهداشتی ندارند و بندرت شما می‌توانید حمام پیدا کنید. هیچ امکانات تحصیلی هم وجود ندارد، یک کودک فقط کار می‌کنند. در یکی از این کود‌ها

یک نهاد مدنی کانکس زده بود و یک معلم هم داوطلبانه درس می‌داد و بچه‌ها می‌توانستند ۲-۳ ساعت درس بخوانند، اما چند ماه پیش این گود را خراب کردند و بچه‌ها همین امکان آموزش را هم از دست دادند. در کل اغلب این بچه‌ها، بی‌سوادند و تجربه‌ای از مدرسه ندارند. اغلب این گود‌ها و گاراژ‌ها در زمین‌های کشاورزی و کوره‌پزخانه‌ها هستند و با شهر‌ها فاصله زیادی دارند. بیشتر بچه‌ها مدرک هونتی ندارند و غیرقانونی در ایران زندگی می‌کنند.

■ بچه‌ها در روز خود ا چند ساعت کار می‌کنند؟

معمولاً از ساعت دوازده- یک ظهر سوار ماشین می‌شوند و نیمه‌های شب هم به محل زندگی‌شان برمی‌گردند. صبح‌های خیلی زود هم زباله‌ها را تفکیک کرده و وزن می‌کنند. در نتیجه یک کودک از صبح زود تا پاسی از شب کار می‌کند.

■ کودکان معمولاً در چه گروه‌های سنی هستند؟

شخصاً در گود‌ها و گاراژ‌ها کودکان ۸-۹ ساله هم دید‌ام، اما کودکان ۱۱-۱۲ ساله به بالا زیاد دیده می‌شوند. حداقل شرایط کار در زباله گردی این است که قد بچه باید به مخزن برسد اما موارد زیادی در شهر دیده می‌شود که کودک حتی برای جمع‌کردن زباله از مخزن هم توان فیزیکی کافی ندارد. ولی از نظر قانونی هرکس کمتر از ۱۸ سال باشد کودک به حساب می‌آید. براساس قانون کار، به‌طورکلی به‌کار گرفتن افراد زیر ۱۵ سال ممنوع است اما در مشاغل سخت این ممنوعیت افراد زیر ۱۸ سال را شامل می‌شود. زباله گردی هم جزو مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب می‌شود و در نتیجه به‌هیچ‌عنوان نباید از افراد زیر ۱۸ سال برای جمع‌آوری زباله‌ها استفاده کرد. اما اتفاقی که می‌افتد این است که پیمانکاری که در مزایده برنده شده، کار را به پیمانکاران دست دوم و سوم واگذار می‌کند. درواقع وقتی انحصار یک منطقه به دست پیمانکار افتاد، محدوده خود را به بخش‌های مختلف تقسیم کرده و هر بخش را به یک پیمانکار دیگر اجاره می‌دهند. بر اساس قرارداد شهرداری به پیمانکار چنین عملی غیرقانونی است. اغلب این پیمانکار‌ها دست‌دوم، گروه‌های خوشباندی اهل افغانستان هستند که از هرات به ایران می‌آیند. درواقع خانوار ساکن افغانستان است اما مردان برای کار به ایران می‌آیند. این گروه خوشباندی وقتی به ایران می‌آید با خود کودکان را نیز می‌آورد. یک پدر ممکن است سه فرزندش را بیاورد که دوتفر از آنها کودک باشند. آنها

در حریم

منطقه ۲۰، در

گود‌ها و گاراژ‌های

مناطق مثل

اشرف آباد،

غنی آباد و

محمودآباد و در

شرق تهران در

محدوده حکیمیه،

تعداد زیادی از

کودکان زباله گرد

زندگی می‌کنند.

محل زندگی

آنها در آلودگ‌ها

و کانکس‌های

اطراف گاراژ‌ها

و گود‌هاست.

وضعیت بهداشتی

این گاراژ‌ها و گود‌ها

بسیار بد و بشدت

آلوده است.

بسیاری از این

گود‌ها، سرویس

بهداشتی ندارند

و بندرت شما

می‌توانید حمام

پیدا کنید. هیچ

امکانات تحصیلی

هم وجود ندارد،

این کودکان فقط

کار می‌کنند.



من از کرنا نمی ترسم

کودکان

قربانیان

طلای سیاه پسماند



مونیکا ندی وکیل دادگستری و فعال حقوق کودک

یادداشت

طبیعتاً کار کودک، یک آسیب اجتماعی محسوب می‌شود و با توجه به گذر کشور ما از مرحله توسعه، آمار کودکان کار در کشور زیاد است. معضلاتی مثل فقدان اشتغال مناسب، فقر، مهاجرت داخلی و خارجی، حاشیه نشینی و چرخه معیوب اقتصادی در جامعه، کودکان را به کار واداشته است. یعنی در حالی که کودکان باید مورد حمایت و مراقبت‌های لازم قرار گیرند، مجبور هستند برای تأمین معاش خود و خانواده‌شان کار کنند و این یعنی از حق بر کودکی، حق بر بازی و حق بر تحصیل و حق بر بهداشت و بسیاری از حقوق انسانی‌شان محروم می‌شوند. همه اینها در حالی اتفاق می‌افتد که قانون اساسی، دولت‌ها را به ایجاد امکانات عادلانه برای همه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت ملزم کرده است.

پیمان نامه جهانی حقوق کودک هم در ماده ۳۲ به تکلیف دولت‌ها برای حمایت از کودکان در برابر کار زیان بار و مخل وضعیت تحصیلی و بهداشتی کودک اشاره کرده است. از طرف دیگر قانون کار، صراحتاً کار کودکان زیر ۱۵ سال را ممنوع و کار کودکان بین ۱۵ و ۱۸ سال را منوط به شرایط ویژه‌ای کرده است. همچنین به موجب مواوله نامه مبارزه با بدترین اشکال کار کودک نیز کار ی که به دلیل ماهیت آن احتمال ورود ضرر به سلامتی، ایمنی یا اخلاقیات کودکان را داشته باشد مطلقاً ممنوع اعلام شده، ولی با وجود همه این قوانین کودکان همچنان کار می‌کنند و زباله گردی نیز بعنوان یکی از بدترین اشکال کودک به وفور دیده می‌شود.

همچنین طرح‌های با اصطلاح ساماندهی کودکان کار سال‌هاست که با صرف بودجه‌های زیاد توسط بهزیستی اجرا می‌شود و صرف‌نظر از روش اجرایی و ماهیت طرح‌ها، کودکان کار همچنان پس از ترخیص از طرح‌ها کار می‌کنند، به گفته منتقدان، این طرح‌ها کودک کار را هدف گرفته‌اند نه حل معضل کار کودک را و این علاوه بر این موضوع است که معمولاً کودکان زباله گرد موضوع طرح‌های ساماندهی قرار نمی‌گیرند و این برخلاف مسئولیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بر اجرای کنوانسیون ممنوعیت اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و نظارت بر اجرای آن است.

شهرداری هم متأسفانه با ضعف عملکرد در سیستم مدیریت پسماند، واگذاری موضوع به بخش خصوصی، عدم نظارت بر روند اجرایی و پیمانکاران از اجرای دستورالعمل‌ها و اجرای قوانین در بازیافت استنکاف می‌کند و شورای شهر هم علی‌رغم وظیفه‌ای که طبق اصل یکصدم قانون اساسی و قانون شوراها نسبت به نظارت به تخلفات شهرداری‌ها و سازمان‌ها و شرکت‌ها و وابسته به آن دارد، در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کند. از طرفی شهروندان هم مسئولیت زباله هایشان و تفکیک آن را برعهده نمی‌گیرند و با توجه به فقدان آموزش و آگاهی رسانی، زمینه را برای گسترش زباله گردی فراهم می‌کنند. همه این عوامل از جمله قوانین ناکارآمدی که اجرا نمی‌شوند و مشکلات اقتصادی و اجتماعی که زمینه‌ها را تشدید می‌کنند و فقدان مدیریت آراء، زباله گردی را ایجاد کرده و متأسفانه کودکان قربانیان اصلی این شرایط هستند. درواقع در حالی که کودکان زباله‌گرد‌ترین سود از طلای سیاه پسماند را دارند. بیشترین آسیب را از این موضوع می‌بینند و حقوق ایشان بیش از همه در معرض تضییع قرار دارد.

■ زمان اجرای طرح مشخص نیست؟

به‌احتمال فراوان از ابتدای سال آینده اجرای آن شروع می‌شود. وقتی هماهنگی‌های لازم با سایر نهادهای حاکمیتی ومدنی واطمینی حاصل شد.